

کتابنامه تحلیلی هدایت

هادیان و مسؤولان سیاسی

ویژه:

«تأثیرات انقلاب اسلامی در طول ۴ دهه
در حوزه منطقه‌ای و جهانی»



معاونت سیاسی

نماینده‌گی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

اسفند ماه ۱۳۹۷

۱۷

کتابنامه الکترونیکی هدایت

«تأثیرات انقلاب اسلامی در طول ۴ دهه در حوزه منطقه‌ای و جهانی»

آنچه در این شماره می‌خوانید:

ایران، روح جهان بی روح

دمیده شدن مجدد روح انقلابی به مبارزات ضد اشغالگری

تأثیرات انقلاب ایران بر افغانستان و شبه قاره هند

عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس

انقلاب‌های عربی و بیداری اسلامی

نتیجه گیری

مقدمه

تأثیرات گفتمان انقلابی- اسلامی ایران به مرور زمان با وجود تخصصات و فشارهای دول غربی و همچنین عکس العمل نظام های مرتجع عربی در ترویج ایدئولوژی وهابیت، نه تنها محدود نگردید بلکه روندی فزاینده یافت به صورتی که باید یکی از رگه های سیاسی- ایدئولوژیکی جنبش های انقلابی سال های ۲۰۱۱ به بعد در کشورهای خاورمیانه را مردم سالاری دینی برآمده از گفتمان انقلابی مردم ایران دانست.

انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب بزرگ قرن بیستم بود که در زمان جنگ سرد و ساختار دو قطبی شرق و غرب به وقوع پیوست، و تفاوت بزرگی نیز با انقلابهای قبل از خود داشت. با وجودی که انقلابهای قبلی در ساختار فکری و فلسفی غربی و تحت تاثیر فیلسوفان چپ گرا یا لیبرال و بعضا ناسیونالیست های راست گرا بود، اما انقلاب ایران به یک باره با مسیری متفاوت منجر به سقوط حکومت پهلوی و تغییرات بنیادین سیاسی- اجتماعی در داخل شد.

ماهیت متفاوت انقلاب اسلامی باعث ایجاد تاثیرات و بازتابهای متفاوتی در منطقه و نظام بین الملل گردید زیرا از یک طرف اسلام سیاسی را در اوج مدرنیته شدن جهان بازتعریف می نمود و از طرف دیگر عناصر فکری جدیدی مثل آزادی و استقلال، مردم سالاری، استکبار ستیزی در ترکیب فکری فرهنگی خود داشت که گفتمان انقلاب اسلامی در فرایند مدرنیته شدن جهان، در منظومه معنایی خود قرار داده بود.

از طرف دیگر در ساختار دو قطبی پس از جنگ جهانی دوم، پیروزی انقلاب اسلامی با دیدگاهی تجدید نظرطلبانه نظم شرقی و غربی متاثر از رقابت جهانی کمونیسم و سرمایه داری را به چالش می کشید.

با این حال بررسی تأثیرات چهار دهه حیات و نقش آفرینی ایران با گفتمان انقلابی در محیط منطقه ای و بین المللی می تواند نشانگر اهمیت جنبش انقلابی مردم ایران در سیر تکوین وضعیت کنونی جهان و شکل گیری هویت جدیدی در نیروها و جنبش های انقلابی بویژه در جهان سوم و کشورهای اسلامی باشد.

ایران، روح جهان بی روح

انقلاب ایران در سطح نظری باعث شکل گیری جنبش هایی در سطح منطقه ای و بین المللی گردید که بر راه های مستقل برای هویت یابی سیاسی و مواجهه با مسائل و بحران های سیاسی و اجتماعی به صورت مستقلانه و بدون وابستگی به قدرت ها تأکید کنند. در سطح امنیتی نیز انقلاب ایران این ایده را پیش کشید که راه امنیت در منطقه، عدم دخالت قدرت های فرا منطقه ای و غیر قابل اعتماد بودن آنها برای ملت های مستقل است.

در سطح جهانی انقلاب ایران معیارهای مسلط و پذیرفته شده جهانی را به چالش میکشید به صورتی که هنری کسینجر، مشاور و وزیر خارجه در زمان نیکسون و جرال فورد و از صحنه گردانان و تئوریسین های اصلی سیاست خارجی آمریکا طی دهه های گذشته، گفته بود تصمیمات آیت ... خمینی مجال تفکر و برنامه ریزی را از سیاستمداران می گرفت و با معیار دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در جهان سخن می گفت.

در همین راستا میشل فوکو فیلسوف فرانسوی که در کتابی با عنوان ایران روح یک جهان بی روح به تحلیل در مورد ماهیت انقلاب اسلامی پرداخته بود رجوع انقلاب ایران به مذهب و معنویت را از زمان انقلاب فرانسه تاکنون بی بدیل دانسته و معتقد است برای نخستین بار انقلاب و معنویت به یکدیگر پیوند خورده اند. از این رو با تئوری های کلاسیک انقلاب نمی توان به بررسی انقلاب اسلامی پرداخت، زیرا قادر به درک ماهیت واقعی انقلاب اسلامی مردم ایران نیستند.

دمیده شدن مجدد روح انقلابی به مبارزات ضد اشغالگری

به طور حتم یکی از مهمترین تأثیرات انقلاب اسلامی بر محیط منطقه ای دمیدن روح امید به کالبد بی رمق مبارزات

آزادیخواهانه در فلسطین و لبنان علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی بود که مهمترین و اصلی ترین موضوع جهان اسلام طی ۷۰ سال اخیر بوده است.

پس از پیروزی انقلاب با وجودی که گروههای مختلفی در فلسطین با اسرائیل مبارزه میکردند اما ماهیت این مبارزات، یا ملی گرایانه (پان عربیسم) و یا مارکسیستی بود. تا سال ۱۹۷۹ و پیروزی انقلاب چندین جنگ بزرگ میان کشورهای عربی به رهبری مصر و سوریه علیه اسرائیل بر مبنای دو تفکر مذکور شکل گرفت که همگی با شکست اعراب و دست‌اندازی‌های بیشتر رژیم صهیونیستی به خاک همسایگان همراه شد. پیروزی انقلاب و تنش‌کیل گروه‌های مقاومت اسلامی این روند را دگرگون و بر افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل پایان داد.

در فلسطین گروه‌هایی مثل حماس و جهاد اسلامی با رویکرد اسلامی سازماندهی شدند. «فتحی شقاقی» بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی به صراحت به این تاثیر پذیری از اندیشه‌های امام خمینی اذعان میکند.

در لبنان نیز سه سال بعد از انقلاب اسلامی، بخشی از مبارزان لبنانی از جنبش امل جدا شدند و با رویکردی متفاوت حزب الله را تشکیل دادند. این مبارزات و رویکرد متفاوت همچنان ادامه دارد به طوری که همچنان اسرائیل مانع بزرگ خود برای سلطه جویی بر سرزمین‌های فلسطینیان را وجود گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان میداند. در لبنان حزب الله تحت تاثیر انقلاب ایران به مانعی بزرگ در برابر توسعه طلبی‌های اسرائیل تبدیل شد که این مساله در جنگ ۳۳ خود به خوبی نشان داد.

امروزه اسرائیل در ضعیف‌ترین موضع طی حیات ۷۰ ساله این رژیم قرار دارد به صورتی که برای نجات خود از محاصره محور مقاومت بیش از هر زمان دیگری به امدادطلبی از آمریکا و دیگر کشورهای غربی برای فشار آوردن بر ایران متوسل شده است.

تأثیرات انقلاب ایران بر افغانستان و شبه قاره هند

پیروزی انقلاب اسلامی تقریباً همزمان با ورود ارتش سرخ شوروی به افغانستان شد در آن زمان گروه‌های شیعه و سنی با نفوذ شوروی مبارزه میکردند اما پیروزی انقلاب باعث الهام‌گیری این گروه‌ها شد و با وجود این که دو گروه اسلامی مجزا بودند اما تحت تاثیر انقلاب در مبارزات خود توانستند وحدت بیشتری پیدا کنند. در واقع انقلاب اسلامی اولین تأثیرات برون مرزی خود را بر روی مجاهدین افغانی بر جای گذاشت. زمانی که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، در افغانستان رژیم کمونیستی دست‌نشانده اتحاد جماهیر شوروی سابق به رهبری "نورمحمد ترکی" هنوز اولین سالگرد کودتای خود را علیه "ظاهر شاه" جشن نگرفته بود.

هنوز شش ماه از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نگذشته بود که "حفیظ الله امین" علیه نورمحمد ترکی کودتا کرد، و چهار ماه بعد "ببرک کارمل" با قتل امین و حمایت نظامی شوروی بر اریکه قدرت نشست. در همین دوران بود که بارقه‌های جهاد علیه کمونیسم در افغانستان شکل گرفته و پرچم جهاد علیه تفکر کمونیستی توسط مجاهدین افغانی برافراشته شد.

در سال ۱۳۵۷ قیامهایی نیز در هرات و کابل تحت تاثیر انقلاب ایران به وقوع پیوست. اگر چه پس از خروج شوروی این گروه‌ها از هم فاصله گرفتند و عربستان و آمریکا سعی نمودند در مقابل نفوذ ایدئولوژیک ایران ایدئولوژی‌های دیگری را سازماندهی کنند اما پس از اتفاقات ۱۱ سپتامبر و ناامن تر شدن افغانستان در سالهای اخیر، الگوی امنیتی که تحت تاثیر انقلاب در ایران به وقوع پیوست باعث شد تا مورد توجه برخی از فعالین سیاسی افغانستان قرار بگیرد.

در خصوص میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جامعه پاکستان می‌توان به این نکته اشاره کرد که پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران، پاکستان دومین کشوری بود که سفارت آمریکا در این کشور مورد هجوم قرار گرفت. در پاکستان پس از انقلاب اسلامی جنبش شیعیان احیا شد و کسانی مثل علامه مفتی جعفر با تأسی از جنبش انقلابی ایران اعتراضات

بزرگی را رهبری کرد و متفکرانی چون علامه ابوالاعلی مودودی رهبر جماعت اسلامی پاکستان از انقلاب اسلامی حمایت کردند و آن را پدیده ای امید بخش و رهایی بخش در جهت اجرای دستورات اسلام خواندند. استقبال بی نظیری که مردم پاکستان از آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت ایران در سال ۱۳۶۴ ه.ش به عمل آوردند نشان از عمق تأثیرپذیری شبه قاره از گفتمان انقلابی ایران بود. ده ها هزار تن از مسلمانان شیعه و سنی پاکستان در حالی که عکس هایی از حضرت امام (ره)، آیت الله خامنه ای در دست داشتند، در طول مسیر ۷ کیلومتری از فرودگاه تا محل اقامت ریاست جمهوری با شعار درود بر خمینی و مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و زنده باد انقلاب اسلامی و ... از رییس جمهور ایران استقبال کردند. همین امر باعث ترس و عکس العمل عربستان و برخی گروههای متمایل به عربستان و آمریکا شد و دست به خشونت علیه شیعیان و ترور عارف الحسینی یکی از مهمترین رهبران شیعیان زدند.

عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس

در روزهای پایانی حکومت پهلوی بسیاری از کشورهای عربی که حکومت پدرسالاری داشتند از احتمال ظهور یک انقلاب مردمی وحشت کردند زیرا چنین روندی به نظر آنها باعث سرایت به کشورهای عربی و سقوط نظامهای پادشاهی می شد. آمریکا از این ترس استفاده نمود و در اواخر سال ۱۳۵۹ با این کشورها اقدام به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس نمود.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فصل نوینی برای اسلام گرایان، به ویژه شیعیان کشورهای عربی خلیج فارس، گشود. این انقلاب، بخصوص موجب تحرک افکار و ایده های مذهبی و سیاسی اقلیت شیعه ی این کشورها شد. تا زمان وقوع انقلاب اسلامی، جامعه ی شیعه ی این کشورها جامعه ای حاشیه ای و فاقد تحرک و پویایی سیاسی در صحنه ی رسمی به شمار می آمد. این اقلیت اگرچه از وضعیت خود ناراضی بود، اما هیچ گاه شکایت و نارضایتی خود را به صورت قیام و طغیان بروز نداد. وقوع انقلاب اسلامی باعث تحرک و جنبش سیاسی آنها شد و به دنبال آن، تظاهرات و راهپیمایی هایی خودجوش در این کشورها رخ داد.

در عراق همان ابتدا حزب الدعوه الاسلامیه، جماعه العلماء، حزب الفاطمی از جمله احزابی بودند که متأثر از انقلاب ایران شدند. همین موضوع موجب گردید تا رژیم بعثی با چراغ سبز قدرت های شرق و غرب هم به سرکوب جنبش شیعیان بپردازد و هم کمک های مالی و تسلیحاتی فراوانی برای آغاز تهاجم نظامی علیه ایران و محدود کردن تأثیرات انقلاب ایران با مبذول شدن توجه تهران به جنگ و تحولات داخلی، به دست آورد.

اما دو رویداد مهمی که پس از انقلاب اسلامی، عربستان را به لرزه درآورد، نخست قیام شیعیان این کشور بود. برای نخستین بار، مراسم سوگواری خود را در ایام محرم علنی کردند و نیز مردم ایالت شرقی در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ م دست به راه پیمایی زدند. در شهر قطیف، قریب ۳۰.۰۰۰ نفر دست به تظاهرات زدند. دومین رویداد نیز حادثه ی تسخیر مسجدالحرام بود. جهیمان العطیبه در یک سخنرانی، اهداف خود را این گونه اعلام کرد.

- پایان دادن به حکومت خاندان سعودی؛ چون دین را نابود کرده اند.
- قطع روابط با کشورهای مسیحی و در رأس آنها آمریکا
- از بین بردن فساد و فحشا و اجرای قوانین اسلامی

حسین هیکل روزنامه نگار نامدار مصری این حادثه را یکی از خارق العاده ترین حوادث اخیر در تاریخ خاورمیانه می داند که به طور مستقیم، از انقلاب اسلامی ایران ناشی شده است.

همچنین در یمن شیعیان زیدی این کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) را به عنوان امام و پیشوای دینی خود اعلام کردند و در سالهای بعد جنبش شیعیان یمن با رهبری سید حسین حوثی فرزند سید بدرالدین توانست پس از سقوط نظام امامیه در ۱۹۶۲ بار دیگر موجبات بازسازی زیدیه را با تاسیس سازمانی بنام شباب المومن را فراهم کند و حوثی وارد فضای حزب و فضای سیاسی شود

بحرین دیگر کشور مهم حاشیه خلیج فارس بود که گفتمان آزادی خواه و عدالت طلب انقلاب ایران بر این کشور تأثیرات خود را بر جای گذاشت. در سال ۱۳۶۰ ش، یک کودتای ناموفق برای سرنگونی نظام حاکم بر بحرین از جانب شیعیان این کشور انجام شد. این کشور، چه قبل و چه بعد از انقلاب، کانون رستاخیز شیعه در ممالک عربی خلیج فارس بود و به لحاظ جمعیت بالای شیعیان در این کشور، خصومت با دولت مرکزی همواره ادامه داشته است. نمود عمده ی پیکارجویی شیعه در این کشور، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» بود. در سال ۱۹۷۹، هادی مدرسی، یکی از رهبران این جبهه، از بحرین اخراج شد. او پس از تبعید، فعالیت های ضد حکومتی خود را به شدت ادامه داد.

اسلام گرایی در ترکیه طی یک سده گذشته، فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته است. با این وجود و علیرغم موانع و مشکلات متعدد، جریان اسلام گرایی روز به روز بالندگی و رشد بیشتری یافت و به نقطه ای رسید که در کشوری با یک چارچوب سیاسی و حقوقی لائیک، حزبی اسلام گرا به پیروزی رسید و اسلام گرایان به مناصب مهمی چون ریاست جمهوری و نخست وزیری دست یافتند.

رشد و بالندگی اسلام گرایی در ترکیه تحت تأثیر عوامل مختلفی رخ داده است که یکی از مهم ترین آنها پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ می باشد. از جنبه مردم شناسی همچون دیگر کشورهای برشمرده در ترکیه نیز حدود ۲۰ الی ۲۵ میلیون علوی زندگی می کنند که تقریباً یک سوم جمعیت این کشور را تشکیل می دهند که به صورت بالقوه آمادگی پذیرش گفتمان اسلامی ایران را دارند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، اسلام گرایان با اعتماد به نفسی مضاعف پا به عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی ترکیه گذاشتند که همین امر موجب تجمعات مختلف و سپس کودتای مقابله گرایانه ۱۹۸۰ از سوی ارتش و محدودیتهای گسترده کودتاگران علیه اسلام گرایان گردید. این کودتا که ۶ روز پس از راهپیمایی قونیه با موضوع رد نظام لایکی صورت گرفت با تأکید فراوان کودتاگران بر جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی شبیه آنچه در ایران روی داد همراه بود. موضوعی که موجب سوق و راه یافتن جنبش اسلامی ترکیه به سوی صندوق آرا و انتخابات شد و این روند یک دهه بعد به سربرآوردن حزب رفاه به عنوان یکی از مدعیان اصلی پیروزی در انتخابات منجر گردید تا در نهایت چهره ای اسلام گرا به نام نجم الدین اربکان نخست وزیر ترکیه شود. اربکان در سخنانی که در سفر به ایران در سالهای پایانی عمر خویش داشت شیفتگی خود به انقلاب اسلامی را علناً اعلام کرد. وی در سخنانی گفت پیروزی انقلاب اسلامی مژده ای به مردم جهان بود که دولت ها و ملت ها می توانند به دور از وابستگی به قدرت های ستمگر به حیات خود ادامه دهند. با وجود اینکه کودتای ارتش در سال ۱۹۹۷ بر روند حضور اسلام گرایان در قدرت مانع تراشی کرد اما این مانع تراشی دیری نپایید و در سال ۲۰۰۲ در انتخابات پارلمانی مجدداً اسلام گرایان حزب عدالت و توسعه اکثریت کرسی های پارلمان را از آن خود کردند.

علاوه بر تأسی اسلام گرایان برای حضور در قدرت، تحولات برگزاری روز قدس در ترکیه طی دهه های گذشته و برجسته شدن موضوع فلسطین در ترکیه از تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر این کشور برشمرده می شود.

انقلاب های عربی و بیداری اسلامی

تأثیرات گفتمان انقلابی - اسلامی ایران به مرور زمان با وجود تخاصمات و فشارهای دول غربی و همچنین عکس العمل نظام های مرتجع عربی در ترویج ایدئولوژی وهابیت، در جوامع اسلامی منطقه غرب آسیا و دیگر مناطق حضور کشورهای اسلامی در آسیا و آفریقا نه تنها محدود نگردید بلکه روندی فزاینده یافت به صورتی که باید یکی از رگه های سیاسی - ایدئولوژیکی جنبش های انقلابی سال های ۲۰۱۱ به بعد در کشورهای خاورمیانه را مردم سالاری دینی برآمده از گفتمان انقلابی مردم ایران دانست که بر سه بعد حاکمیت قوانین اسلامی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و همچنین استقلال خارجی تأکید دارد و این موضوعات شاکله خواسته های معترضان را تشکیل می داد. انقلاب در تونس با رهبری جنبش

دینی النهضه، انقلاب مصر با رهبری اخوان المسلمین، انقلاب‌های بحرین، یمن و لیبی نیز با رهبری جنبش‌های اسلام‌گرایانه همراه بود که البته برخی از این جنبش‌های انقلابی با دخالت خارجی مستقیم و غیرمستقیم کشورهای غربی و عربی و رژیم صهیونیستی به ثمر نشست.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی مردم ایران ۴ دهه پس از آغاز آن نه تنها مارنژد انقلاب‌های دیگر آرمان‌های اولیه خود را به فراموشی نسپرد و دچار ضعف نگردید، بلکه امروزه با قدرت بیشتری در بطن تمامی تحولات بزرگ جهانی و منطقه‌ای نقش آفرینی متمر ثمر می‌کند و توانسته است در برابر رقبا و دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی موفقیت‌های گسترده‌ای را کسب و شکست‌های سنگینی به آنها وارد نماید. از جمله تاثیر این تحولات به تعمیق عمق استراتژیک ایران و ارتقاء امنیت ملی کشور، افزایش توان بازدارندگی، و همچنین نقش ایران در تحولات منطقه‌ای میتوان اشاره کرد. بهر حال با توجه به محور اصلی پژوهش و با توجه به نقش و جایگاهی که گفتمان اسلام‌گرایی در تحولات منطقه ایفا کرده است، به نظر می‌رسد که گزاره‌هایی هم چون احیای هویت دینی، فروپاشی دولت سکولار در منطقه و تاثیرپذیری تحولات منطقه از نظام معنایی گفتمان انقلاب اسلامی گزاره‌هایی هستند که بصورت مستقیم موجبات تقویت بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند و از سوی دیگر موضوعاتی همچون افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و یافتن هم‌پیمانان جدید در منطقه و همچنین انزوای سیاسی-امنیتی اسرائیل در پرتو تحولات اخیر منطقه‌ای، از دیگر گزاره‌هایی هستند که بصورت غیر مستقیم زمینه‌های تقویت امنیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی را در پرتو تحولات منطقه‌ای فراهم می‌آورند. در مجموع می‌توان گفت که گسترش گفتمان اسلام‌گرایی و سلطه این گفتمان بر قدرت سیاسی در جوامع انقلابی می‌تواند بصورت مستقیم و غیر مستقیم در تقویت بعد سیاسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران موثر باشد.

- مدیران و هادیان سیاسی می‌توانند با تعمق در این موضوع و بیان نقد و نظرات فود به غنا و کاربردی شدن گاهنامه کمک نمایند.